Journal of Fiqh and Usul

HomePage: https://jfiqh.um.ac.ir Vol. 54, No. 3: Issue 130, Autumn 2022, p.165-182

Online ISSN: 2538-3892 Print ISSN: 2008-9139

Receive Date: 03-09-2020 Revise Date: 20-10-2020 Accept Date: 25-11-2020

DOI: https://doi.org/ 10.22067/jfiqh.2021.62647.0 Article type: Original

Rereading the Jurisprudential Precept of Sexual Enjoyment from a Minor Wife in the Light of Psychoanalytic Considerations

Mohammad Reza Kazemi Golvardi, Ph.D., Associate Professor, Faculty of Theology, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran (Corresponding Author)

Email: mr_kazemigolvardi@yahoo.com

Reihaneh Izadi, Ph.D. Graduate, Islamic Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Islamic Azad University, University Lecturer

Abstract

Sometimes, certain instances of jurisprudential opinions seem to be in conflict with moral principles and values. Among such instances is sexual enjoyment from a minor wife permitted by a group of jurists. The present study, through a library and analytical-descriptive method, seeks to criticize that fatwa, introduce the different opinions of jurists in this regard and examine their proofs in addition to examining this issue from both legal and factual aspects, taking into account the child's mental injuries from the perspective of Psychology knowledge. The authors believe that given the proved mental injuries as well as severe mental disorders inflicted on the child as a result of sexual enjoyment and based on the rule of negation of detriment and harmful precepts in Islam, sexual enjoyment from a child wife may not be permissible from the viewpoint of Sharia and the opinions of certain jurists regarding its permissibility originate probably from their failure to discover and identify its numerous mental injuries and non-proof of its customary and moral obscenity to them; otherwise, in case of identification of such injuries, they would also issue a fatwa regarding the prohibition of this issue.

Keywords: Sexual Enjoyment from a Minor Wife, Child Abuse, Moral Obscenity, Emotional Abuse

Journal of Fiqh and Usul

سال ۵۴ - شماره ۳ - شماره پیاپی ۱۳۰ - پاییز ۱۴۰۱، ص ۱۸۲ - ۱۶۵

HomePage: https://jfiqh.um.ac.ir

شاپا چاپی ۹۱۳۹-۲۰۰۸ شاپا الکترونیکی ۳۸۹۲-۲۵۳۸

تاریخ دریافت:۱۳۹۹/۰۶/۱۳ تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۰۷/۲۹ تاریخ پذیرش:۱۳۹۹/۰۹/۰۵

نوع مقاله :پژوهشی

DOI: https://doi.org/ 10.22067/jfiqh.2021.62647.0

بازخوانی حکم فقهی استمتاع از صغیره در پرتوِ ملاحظات روان‌کاوانه

دکتر محمدرضا کاظمی گُلوردی(نویسنده مسئول)

دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه آزاداسلامی،واحدمشهد،مشهد،ایران

Email: mr_kazemigolvardi@yahoo.com

دکتر ریحانه ایزدی

دانش‌آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی و مدرس دانشگاه

چکیده

در آرای فقهی گاهی مواردی با اصول و ارزش‌های اخلاقی مغایر به نظر می‌رسد. یکی از این موارد، مسئلهٔ استمتاع از زوجهٔ صغیره است که گروهي از فقها به جواز آن رأی داده‌اند. پژوهش حاضر با روش کتابخانه‌ای و تحلیلی‌توصیفی درصدد نقد این فتوا، طرح اقوال مختلف فقها در این موضوع و بررسی ادلهٔ ایشان است و نیز این مسئله را موضوعاً و حکماً باتوجه‌به آسیب‌های روانی کودک از نگاه دانش روان‌شناسی، بررسی می‌کند. نگارنده بر این باور است که باتوجه‌به صدمات اثبات‌شدهٔ روانی و اختلالات شدید روحی که از این ناحیه بر کودک وارد می‌شود و به حکم قاعدهٔ نفی ضرر و احکام ضرری در اسلام، استمتاع جنسی از کودک نمی‌تواند از نگاه شریعت اسلام امری مجاز تلقی شود و آرای برخی از فقها مبنی‌بر جواز آن احتمالاً ناشی از عدم کشف و احراز آسیب‌های متعدد روحی و عدم اثبات قبح عرفی و اخلاقی نزد آنان بوده است؛ وگرنه در فرض احراز این آسیب‌ها، آنان نیز به حرمت این مسئله فتوا می‌دادند.

واژگان کلیدی: استمتاع از صغیره، کودک‌آزاری، قبح اخلاقی، آزار هیجانی.

مقدمه

در منابع فقهی برای صحت ازدواج، سن مشخصی لحاظ نشده است. برطبق نظر فقهای امامیه، ازدواج پسر و دختر خردسالی که هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند، با اذن ولیِّ شرعی (پدر یا جد پدری) صحیح است و پدر و جد پدری بر فرزند صغیر و فرزند بالغ دیوانهٔ خود ولایت در ازدواج دارند و می‌توانند او را به ازدواج دیگری درآورند (کلینی، ٩٧/٧؛ حر عاملی، ١٠٢/٢٠؛ مفید، ١٠٧٢، ٥١١؛ طوسی، ٤٦٠ق، ٤٦٤؛ علم الهدی، ٤٣٦ق، ٢٨٦؛ علامه حلی، قواعد الاحکام، ١١٧؛ شهیدثانی، ١١٨/٧؛ خویی، مستند العروة الوثقی، ٢٤٨/٢).

روایات متعددِ نقل‌شده از ائمهٔ اطهار(ع) حاکی از آن است که شارع مقدس برای ازدواج دختر، محدودهٔ سنی خاصی تعیین نفرموده است و ازدواج دختری که به سن نُه سال نرسیده، صحیح شمرده شده است (کلینی، ٨٥/٦؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ٢٣٤/١٠؛ حر عاملی، ٤١١/١٨).

در اصلِ جواز ازدواج کودکان نابالغ و ولایت شرعی (پدر یا جد پدری)، فقهای شیعه هم‌عقیده هستند؛ ولی بسیاری از آنان این حکم را مقید می‌دانند و به اطلاق آن قائل نیستند. برخی، جواز این ازدواج را منوط به رعایت مصلحت کودک (ابن‌ادریس، ٥٦٠/٢؛ محقق حلی، ٢٢٠/٢؛ شهیدثانی، ١١٦/٧) و برخی دیگر، منوط به عدم‌مفسده در این نکاح کرده‌اند (نراقی، ١٦٧/١٦).

دلیل فقهایی که ولایت ولیّ را منوط به رعایت مصلحت کودک کرده‌اند، دلیل اولویت است که بر اساس آیهٔ ١٥٢ سورهٔ انعام «وَلا تَقْرَبُوا مالَ الْيَتيمِ اِلاّ بِالَّتی هِیَ اَحْسَنُ»؛ به اموال یتیم جز به نیکوترین روش نزدیک نشوید، معتقدند که تصرف در اموال طفل باید با رعایت مصلحت باشد. بر این اساس، به طریق اولیٰ تصرف در زندگی آیندهٔ کودک باید با رعایت مصلحت باشد. همچنین معتقدند که ولایت اولیا امری عقلایی است و عقلاً مصلحت را عنصر اساسی می‌دانند. به‌تعبیر دیگر، اختیار ولیّ امری تعبدی نیست، بلکه قاعده‌ای عقلایی است که دلایل شرعی نیز آن را تأیید و امضا می‌کند (مکارم شیرازی، ٤٣٣/١تا٤٣٤).

فقهایی که ولایت را منوط به عدم‌مفسده کرده‌اند، معتقد به اجماع هستند. فاضل نراقی در مستند الشیعة ادعای اجماع دارد بر اینکه این نکاح نباید هیچ‌گونه مفسده‌ای برای طفل داشته باشد و در صورت وجود مفسده، این ازدواج محکوم به بطلان است (١٦٧/١٦) و نیز برخی از فقها معقدند به اینکه ادله، مقید به رعایت مصلحت نشده است (حکیم، ٤٥٦/١٤).

مکارم شیرازی می‌گوید: نکاح باید بنابر احتیاط واجب هم خالی از مفسده و هم دارای مصلحت برای هر دو باشد (١٤٢٥، ٣٠٠).

در کتاب الفقه علی المذاهب الخمسة آمده است: همۀ مذاهب اسلامی اتفاق دارند که ولیّ (سرپرست) اختیار دارد پسر و دختر خردسال یا دیوانه را به عقد همسری مناسب درآورد (مغنیه، ٤٥٣/١٤).

تشخیص و نظر ولیّ کودک در مصلحت یا مفسده‌داشتنِ ازدواج او به‌طور مصداقی تأثیرگذار است؛ ولی واضح است که عوامل و متغیرهای فراوانی می‌توانند در صلاح و فساد یک امر، تأثیرگذار باشد و به‌عبارتی مصلحت و مفسده‌داشتنِ امری، نسبی و اضافی است نه مطلق. رعایت مصلحت در بحث ازدواج صغیره به‌مقتضای مکان و زمان و با تغییر هنجارهای اجتماعی تغییر می‌کند و دگرگون می‌شود. لذا در زمان کنونی باتوجه‌به تغییر شرایط اجتماعی و مقتضیات زمان، پذیرش این امر که تزویج صغیره امری عادی تلقی شود، بسیار دشوار است و اگر گفته شود امروزه مسئلۀ تزویج صغیره در بیشتر موارد خلاف مصلحت کودک است و به ضرر کودک منتهی می‌شود و معمولاً عدم‌رضایت کودک را در آینده در پی خواهد داشت، سخنی گزاف نخواهد بود. بنابراین می‌توان گفت: تزویج کودک در زمان کنونی و شرایط فعلیِ اجتماع، غالباً منجر به عدم‌رضایت کودک در آینده و طلاق و جدایی و انحلال زندگی مشترک خواهد شد که این امر قطعاً موجبات بروز ضرر و مفسده برای زندگی او را فراهم می‌کند.

ممکن است در مواردی مصلحت موجود باشد؛ ولی قانونگذار غالباً برای موارد خاص که مصلحت موجود باشد قانونی را تجویز نمی‌کند و به قوانین کلی اشاره دارد. البته بدیهی است که در موارد استثنائی که به نظر حاکم شرع مصلحت اقویٰ و ضرورتی ایجاب کند، صغیره به ازدواج شخصی در بیاید، مطابق قانون تزاحم این امر مجاز و شرعاً بدون اشکال تلقی می‌شود، ولی در این نوشتار به موارد خاص و استثنا پرداخته نمی‌شود.

دلیل اینکه چرا امر ازدواج صغیره در گذشته توسط فقها مجاز تلقی می‌شده و بین مردم نیز رواج داشته است، شاید به این دلیل است که جواز حکم ازدواج با صغیره ناشی از یک دلیل، مصلحت، انگیزه یا نیازی اجتماعی بوده که این منشأ و ضرورت جواز و رواج ازدواج با صغیره، در گذر زمان دستخوش تغییر و تحول قرار گرفته و آن را ازنظرِ عقلی و عرفی نیز منطقی تلقی کرده است و بعید نیست که منشأ فتوا به جواز و رواج ازدواج با صغیره در گذشته، ضرورتی اجتماعی بوده است؛ ضروریاتی که ازدواج با دختر صغیره را بنا بر مصلحت او لازم آورده و بعضاً به عرف اجتماعی تبدیل کرده، مانند وجود منفعت برای کودکان که در نگاهی واقع‌بینانه نشانگر این است که در ازدواج با کودکان بعضاً منافعی برای آن‌ها وجود داشته که اقدام به این کار را عقلایی می‌کرده است؛ به‌طورمثال، در شرایط بروز جنگ‌ها و حوادث طبیعی مثل سیل، زلزله و... و پیامدهای سخت و ناگوار ناشی از آن، شرایطی به وجود می‌آمد که پدری به‌علت شرایط خاص جنگ و ناامنی نمی‌توانست دختر و خانوادۀ خود را همراهی کند و آن‌ها را به نقاط امن و دور از جنگ برساند. در

چنین شرایطی، اگر مرد امینی یافت می‌شد که با اذن پدر دختر با او ازدواج کنـد و آن‌هـا را بـه منـاطق امـن برساند، این ازدواج انجام می‌شد و سلامت آن دختر و خانواده‌اش را تضمین می‌کرد. به نظر می‌رسد چنـین تدبیر اتخاذشده به‌دلیل ناچاری، مورد تأیید عقلا باشد. همچنین دیده می‌شد که کودکی کـه در خـانواده‌ای به دنیا می‌آمد که شرایط زندگی مساعدی نداشت و آیندهٔ خوبی هم برای او متصور نبود، در چنین شـرایطی پدر با هدف تضمین آیندهٔ دخترش و نجـات او از فقـر و فلاکـت، دختـر خردسـال خـود را بـه ازدواج فـرد ثروتمندی در می‌آورد تا آیندهٔ او را تأمین کند یا با به ازدواج‌درآوردن کودک خود با فردی ثروتمند او را شرعاً مستحق ارث از اشخاص ثروتمند می‌کرد تا آیندهٔ کودک خود را تضمین کند یا پدرانی که دختران خردسـال خود را به ازدواج افراد سرشناس و مشهور ازنظرِ مذهبی، سیاسی و اجتماعی در می‌آوردند تا فرزندشـان بـه شخصیت‌های بزرگ متصل شوند و از این طریق در آینده، پیشرفت اجتماعی سریع‌تری داشته باشند.

یکی از منافع رایجی که نیاز به ازدواج صغیره و ضرورت آن را سبب می‌شد و در کشور و فرهنگ ما هم رایج بود، موضوع محرمیت است. در مواردی که افراد و خانواده‌ها بخواهند ارتباط راحت‌تری با هـم داشـته باشند و دچار گناه نشوند، با ایجاد محرمیت، از منافع عقد شرعی کودکان بهره‌مند می‌شوند. این مسـئله در قدیم که خانواده‌ها گسترده‌تر بود و همه با هم زندگی می‌کردند و افراد مسـئلهٔ محـرم و نـامحرم را جـدی‌تر رعایت می‌کردند، برای برقراری راحت‌تر ارتباط میان افراد خانواده‌ای بـزرگ رایـج بـود؛ یعنـی بـدون اینکـه ازدواج و تشکیل خانواده‌ای رخ دهد، دختر بچه‌ای را به عقد کسـی در می‌آوردنـد کـه در سـایهٔ ایـن ازدواج افرادی در خانواده به هم محرم می‌شدند و ارتباط راحت‌تری با هم داشتند، هرچند در این خصوص برخـی از فقها معتقدند که آنچه مجوز ولیّ در نکاح صغیره است، رعایت مصلحت صغیر است نه مصلحت کبیر و در این‌گونه عقدها و محرمیت‌ها آنچه مصلحت واقع می‌شود، معمولاً محرم‌شدن مادرزن و افراد دیگر بـا هم است نه منفعت کودک. مصالحی مانند راحتی رفت‌وآمد خانوادگی مطرح اسـت کـه ربطـی بـه کـودک ندارد. این فقها این‌گونه محرمیت‌ها که مصلحتی برای کودک ندارد را جایز نمی‌دانند (صانعی، ۲).

در مواردی که زوجین از نعمت فرزند محروم هستند و تمایل دارند کودکی را به فرزندی قبول کنند نیـز برای ایجاد محرمیت بین فرزندخوانده و زوجی که او را به فرزنـدی قبـول می‌کننـد، معمـولاً ایـن کـودک را موقتاً به عقد یکی از نزدیکان در آورند تا در سایهٔ این ازدواج موقت، آن کودک به پدرخوانده یـا مادرخوانـدهٔ خود محرم شود. در این مواردی که ذکر شد، چنانچه ازدواج صغیره با رعایت مصلحت و همچنین نداشتن مفسده برای او انجام شود، کاملاً منطقی، عاقلانـه و انسان‌دوسـتانه بـه نظـر می‌رسـد. لـذا در تمـام مـوارد ذکرشده، هدف از ازدواج با صغیره، منافع و مصالحی بوده که آثارش متوجه کودک می‌شده و هدفی غیـر از استمتاع مدِّنظر بوده است.

نکتهٔ دیگر اینکه آنچه در روایات و شریعت دربارهٔ ازدواج با خردسال مطرح شده است، صرفاً بیان اصل جواز ازدواج با خردسال بوده ولی سفارش و تأکیدی بر آن نشده است، بلکه در مواردی توصیه به منع ازدواج با خردسالان شده است.[1] روشن است که جواز ازدواج قبل از سن بلوغ به‌معنای جواز همهٔ اعمال زناشویی نیست و برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی و ورود آسیب جسمی و روحی به کودک و رعایت مصلحت او، جواز عمل آمیزش، به بعد از نُه سالگی موکول شده است و درصورتی‌که شوهر از این قانون اسلام تخلف کند و با همسر نابالغ خود نزدیکی کند و این کار او سبب بروز آسیب به سلامتی جسمی او شود، علاوه بر حرام‌شدن دائمی این همسر بر زوج، مجازات‌های مالی سختی را برای زوج فراهم می‌آورد (علامه حلی، تحریر الاحکام؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۲۳٤/۱۰) که فقهیان بزرگ شیعه در کتب فقهی و رساله‌های عملیهٔ خود به آن اشاره و تأکید کرده‌اند که ارتباط جنسی (آمیزش) با زوجه، مشروط به رسیدن او به سن نُه سالگی؛ یعنی سن بلوغ است. شیخ مفید در این خصوص می‌گوید:[2] «هرگاه مردی با دختری که کمتر از نُه سال دارد، نزدیکی کند و این کار او سبب افضاء (بروز مشکلاتی در اعضای جنسی او) شود، باید دیهٔ کامل او را بپردازد و همهٔ مخارج او را نیز تا آخر عمرش برعهده بگیرد» (مفید، ۷٤۷).

علامه حلی می‌گوید: «زمانی که سن همسر کمتر از نُه سال باشد، نزدیکی شوهر با او جایز نیست و اگر چنین کند کار حرامی انجام داده و اگر با این کار، افضاء (یکی‌شدن مجرای ادرار و حیض) صورت گیرد، آن‌ها بر هم حرام شده و هیچ‌گاه حلال نمی‌شوند و شوهر باید دیهٔ او را بپردازد و مخارج او را تا آخر عمر خود یا او تأمین کند» (تحریر الاحکام، ٤٦٧/۳). شیخ طوسی در کتاب خلاف می‌نویسد: «هرگاه شخص با زوجهٔ خویش نزدیکی کند و باعث افضای وی شود، اگر زوجه کمتر از نُه سال داشته باشد، پرداخت دیه و مهر زوجه بر شخص واجب می‌شود» (تهذیب الاحکام، ۲۵۷/۵). محقق حلی در نکت النهایة در صورت افضاء صغیره حکم به حرمت ابدی داده است (۱٤۱۲، ۲۹۲/۲).

بنابراین همهٔ فقها قائل به عدم‌جواز آمیزش جنسی با دختر نابالغ هستند، اما در خصوص جواز یا عدم‌جواز سایر استمتاعات جنسی (به غیر از آمیزش) از دختر صغیره، نظرات مختلف است.

۱. بیان اقـــوال فقها

برخی از فقها در خصوص حکم استمتاع از صغیره، قائل به جواز همهٔ استمتاعات جنسی (به غیر از

---

۱. عَنْ أَبِی‌عَبْدِاللَّهِ أَوْ أَبِی‌الْحَسَنِ(ع) قَالَ قِیلَ لَهُ إِنَّا نُزَوِّجُ صِبْیَانَنَا وَهُمْ صِغَارٌ قَالَ فَقَالَ إِذَا زُوِّجُوا وَهُمْ صِغَارٌ لَمْ یَکَادُوا یَتَأَلَّفُوا؛ شخصی به امام صادق(ع) عرض کرد: ما فرزندانمان را درحالی‌که خردسال هستند به ازدواج دیگران در می‌آوریم. امام پاسخ دادند: در این حالت بعید است با هم انس بگیرند و با آرامش زندگی کنند (کلینی، ۳۹۸/۵٦).

۲. الرجل إذا جامع الصبیة ولها دون تسع سنین فأفضاها کان علیه دیة نفسها والقیام بها حتی یفرق الموت بینهما... .

آمیزش) از دخترِ زیر سن بلوغ و حتی طفل شیرخوار شده‌اند (طباطبایی یزدی، ۸۱/۲) و دسته‌ای دیگر از فقها معتقدند استمتاع از صغیره به‌دلیل مغایرت با اصول اخلاقی جایز نیست (شهیدثانی، ۴۴۳/۸).

در ذیل نظرات و اقوال این دو دسته از فقها را بیان می‌کنیم.

۱. دستهٔ اول فقهایی هستند که به‌دلیل مطلق‌بودن عمومات در روایات، فقط حکم به حرمت آمیزش با صغیره داده‌اند و بقیهٔ استمتاعات جنسی از صغیره را به‌دلیل عمومات و نبودن نهی از طرف شارع، جایز می‌دانند.

فاضل مقداد، فقیه قرن نهم دراین‌باره می‌گوید:[۱] «با رسیدن زوجه به سن نُه سالگی، نزدیکی با وی جایز نیست و آنچه که حرام است تنها آمیزش با وی است، نه سایر کام‌جویی‌ها» (۲۶/۳).

صاحب‌جواهر دراین‌باره می‌نویسد:[۲] «تحریم نزدیکی با زوجهٔ نابالغ، موافق با صریح فتوای بعضی از اصحاب و ظاهر کلام برخی دیگر، فقط به آمیزش و دخول اختصاص دارد و باقی استمتاعات مجاز است؛ به‌دلیل اصل اباحه (۴۲۵/۲۹).

سید یزدی، صاحب عروة الوثقی دربارهٔ حکم استمتاع از صغیره می‌نویسد:[۳] نزدیکی با زوجه قبل از تمام‌شدن نُه سالگی جایز نیست، خواه نکاحش دائمی باشد یا منقطع و اما سایر لذت‌ها مانند نگاه‌کردن، لمس‌کردن با شهوت، بغل‌گرفتن و تفخیذ او حتی در شیرخوار اشکالی ندارد (۸۱/۲).

پس از فتوای سید یزدی، تعدادی از فقها نیز قائل به همین حکم شده‌اند (خمینی، ۱۴۲۱، ۲۴۱/۲؛ مرعشی، ۲۰۸/۲؛ فاضل لنکرانی، ۲۴).

سبزواری، صاحب مهذب الاحکام نیز با تأیید حکم مذکور، دلیل آن را اصل اباحه، اطلاق ادله، اجماع و اتفاق فقهای امامیه بر این امر می‌داند و می‌نویسد:[۴] «نزدیکی با زوجه قبل از اتمام نُه سالگی جایز نیست، اما استمتاعات کم‌تر از وطی، در تمام موارد جایز است؛ به‌علت اصل جواز، اتفاق اصحاب، اطلاقات ادله (سبزواری، ۱۴۱۳، ۷۳/۲۴).

برخی از فقها مانند آیت‌الله سیدصادق روحانی، صاحب فقه الصادق(ع) و سبزواری، صاحب مهذب الاحکام حتی در این خصوص ادعای اجماع کرده‌اند[۵] (همان، ۷۳/۲۴؛ روحانی، ۸۸/۲۱) و در خصوص

---

۱. لایدخل بالمرأة حتی یمضی لها تسع سنین ویحرم الوطء، لاغیره.

۲. الظاهر اختصاص التحریم في الوطء قبلا ودبرا؛ دون باقي الاستمتاعات؛ وفاقاً لصریح بعض وظاهر آخرین؛ للأصل السالم عن المعارض.

۳ لایجوز وطء الزوجه قبل إکمال تسع سنین؛ دواماً کان النکاح أو متعه...؛ وأما الاستمتاع بما عدا الوطء، من النظر واللمس بشهوه والضم والتفخیذ، فجائز في الجمیع؛ ولو في الرضیعه.

۴. لایجوز وطء الزوجه قبل إکمال تسع سنین... أما الاستمتاع بما عدا الوطء فجائز في الجمیع للأصل والإطلاق والاتفاق.

۵. «هل یجوز الاستمتاع بما عدا الوطء من النظر و اللمس بشهوه والضم والتفخیذ؟ الظاهر ذلک؛ ولو في الرضیعه؛ للأصل السالم عن المعارض).

استمتاع از زوجهٔ صغیره در غیر موارد وطی؛ ازقبیلِ نگاه‌کردن، لمس‌کردن با شـهوت، بغـل‌گرفتن و تفخیـذ معتقدند که ظاهر ادله حاکی از جواز چنین اموری است، حتی در خصوص زوجهٔ شیرخوار؛ به‌علت اصـل جواز و اباحه، بدون آنکه معارضی برای آن وجود داشته باشد (همان).

این دسته از فقها معتقدند به‌دلیل اینکه حکم به‌صورت مطلق مطـرح شـده و فقـط آمیـزش را از عمـوم خارج کرده و نهی و منعی از طرف شارع دربارهٔ سایر استمتاعات نرسیده است، بنابراین بقیهٔ اسـتمتاعات از صغیره جایز است. ایشان دلیل این قول را عمومات ادلهٔ جواز استمتاع می‌داند که وطی زوجهٔ نابالغ بـه‌دلیل وجود روایت از عمومِ حکم خارج شده و باقی استمتاعات تحت عموم حکم باقی می‌مانند.

۲. دستهٔ دوم جمعی از فقها هستند که حکم جواز استمتاعات از صغیره را نمی‌پذیرند؛ چراکه این امر را نزد عقلا امری ناپسند تلقی می‌کنند و با درنظرگرفتن ضرر و آسیب روحی که این عمل می‌توانـد بـر کـودک وارد سازد، معتقد به عدم‌جواز استمتاعات جنسی از کودک هستند. شهیدثانی ازجمله این فقیهان است کـه در دختر صغیره، همه‌گونه استمتاعات جنسی را از او ممنوع می‌داند (۸/۴۴۳).

از فقهای معاصر، اولین شخصی که این حکم را مطرح کرد آیت‌الله مکارم شـیرازی اسـت. ایشـان بـا جواز هرگونه استمتاع از صغیره مخالف است و حتی در دیدار اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس و در پاسخ به استفتاء عضو هیئت‌رئیسهٔ کمیسیون، فتوایی دربارهٔ ازدواج دختران در سنین پایین صادر کرد و در پاسخ به این مسئله که ازدواج در سنین زیر سیزده سال در کشور ما باعث آسیب شده است گفت: ازنظـرِ فتـوا اجـازهٔ این ازدواج را نداده و نمی‌دهم. ایشان با درنظرگرفتن ضررهایی که متوجه صغیره می‌شود و همچنین امکـان بروز شبهاتی که به وجود می‌آید، در کتاب النکاح به این نکته اشاره می‌کند که: جمعـی از فقهـای متـأخر و معاصر هستند که در خصوص جواز استمتاعات جنسی از صغیره قائل‌اند که حکم مذکور با این عمومیت و شمول پذیرفتنی نیست؛ چراکه برخی از استمتاعات از صغیره نزد عقلا امری قبیح و ناپسند تلقـی می‌شـود؛ مانند استمتاع از رضیعه. لذا عمومات استمتاع زوج از زوجه به آنچه نـزد عقـلا متعـارف اسـت، منصـرف است و شامل همهٔ موارد نمی‌شود (۲/۱۳۵).

آیت‌الله شبیری زنجانی نیز در کتاب النکاح، استمتاعاتی را که منجر به ورود ضرر به زوجهٔ نابالغ شود، جایز نمی‌داند و می‌فرماید: سایر استمتاعاتی که منشأ ضرر به صغیره نیست، جایز است...؛ البته اگر این‌هـا هم موجب ضرر شود، نباید آن‌ها را جایز دانست ().

مصطفی خمینی در مستند تحریر الوسیلة، نظر امام خمینی را مبنی‌بر جواز سایر اسـتمتاعات نپذیرفتـه

است و دراین‌باره می‌نویسد:[1] جواز برخی از استمتاعات غیرمتعارف از زوجهٔ نابالغ (مانند تفخیذ)، خارج از مقتضای عقد است و احتیاج به دلیلی دارد که انجام چنین اموری را تجویز کند و نمی‌توان در فتوا به جواز آن به اطلاقات و عمومات ادله استناد کرد (۳۴۴/۲). آیت‌الله عندلیب همدانی مدعی است هرگونه استمتاع و بهره‌برداری جنسی از کودک، تکلیفاً حرام است؛ چون مصداق بارز ظلم و تعدی و خلاف عقل است و این فتوا را خلاف مذاق شارع مقدس می‌داند (عندلیب همدانی).

۲. ادلهٔ معتقدان به جواز

فقهایی که قائل به جواز استمتاعات از صغیره شده‌اند، سه دلیل بر مدعای خود ذکر کرده‌اند که به نقد این دلایل می‌پردازیم.

دلیل اول: چنانچه ذکر شد تعدادی از فقها،[2] عمومات و اطلاق ادله را دلیل جواز استمتاع از صغیره ذکر کرده‌اند؛ به این صورت که آمیزش با زوجهٔ نابالغ از عموم استمتاعات خارج می‌شود و سایر استمتاعات، تحت عمومات باقی است، پس سایر استمتاعات جایز است.

این فقها به روایاتی دراین‌باره استناد کرده‌اند؛ برای نمونه به روایتی از زراره به نقل از امام باقر(ع) اشاره شده است که ایشان فرمودند:[3] «تا قبل از نه یا ده سالگی، نزدیکی با زوجه جایز نیست» (کلینی، ۳۹۹/۵؛ حر عاملی، ۱۰۲/۲۰). آن‌ها چنین نتیجه گرفته‌اند که چون در روایات فقط آمیزش با زوجه، منوط به سن خاصی شده و از عمومات خارج شده است، بنابراین سایر استمتاعات مجاز است.

دلیل دوم: برخی از فقها برای جواز سایر استمتاعات (به‌جز آمیزش) از زوجهٔ نابالغ، به اصل اباحه استناد کرده‌اند؛ با این استدلال که اصل بر جواز و اباحهٔ این‌گونه استمتاعات است، مگر اینکه نهی و ردعی از سوی شارع وارد شده باشد. (صاحب‌جواهر، ۴۲۵/۲۹). آیت‌الله موسوی گلپایگانی در کتاب هدایة العباد (۳۰۵/۲)، آیت‌الله مرعشی نجفی در کتاب منهاج المؤمنین (۲۰۸/۲)، از فقهای معاصری هستند که ظاهر کلمات ایشان، جواز سایر استمتاعات (به‌جز آمیزش) در زوجهٔ نابالغ به‌دلیل اصل اباحه است (بحرانی، ۱۲۴/۱).

دلیل سوم: یکی از ادله‌ای که برخی از قائلان به جواز مانند آیت‌الله سیدصادق روحانی، صاحب فقه الصادق(ع) (۸۸/۲۱) و سبزواری، صاحب مهذب الاحکام (۷۳/۲۴) به آن استناد کرده‌اند، اجماع است.

---

۱. «جواز بعض الاستمتاعات غیر المتعارفه (کالتفخیذ)، الخارجه عن اقتضاء العقد؛ محتاج إلی الدلیل المرخص.»

۲. سید یزدی در عروة، محقق خوئی در حاشیهٔ خود بر عروة الوثقی، امام خمینی در تحریر الوسیله، آیت‌الله مرعشی نجفی در منهاج المؤمنین، آیت‌الله موسوی گلپایگانی در هدایة العباد و آیت‌الله فاضل لنکرانی در تفصیل الشریعة.

۳. لایدخل بالجاریه؛ حتی یأتی لها تسع سنین او عشر سنین.

ایشان معتقدند که در این مسئله که سایر استمتاعات به‌جز آمیزش جایز است، اجماع شده است.[۱]

۳. پاسخ و رد ادلهٔ قائلان به جواز

أ. پاسخ دلیل اول: ازنظرِ فقهای شیعه، همهٔ احکام شرعی تابع مصالح و مفاسد هستند؛ به این معنا که در شرع مقدس اسلام چیزی واجب نشده است، مگر اینکه در آن منفعتی برای بندگان لحاظ شده و چیزی حرام نشده، مگر اینکه در آن ضرری متوجه بندگان می‌شده است. در واقع، ضرر همان طور که علت تشریع محرمات است، علت رفع حکم و عدم‌تشریع آن نیز است؛ به این معنا که در اسلام هرچه برای بندگان مضر باشد، حرام است و بر اساس قاعدهٔ لاضرر که از مشهورترین قواعد فقهی به شمار می‌رود، هر حکم مباحی که برای انسان ضرر درخورِ توجهی داشته باشد، حرام و ممنوع است. به دلیل این قاعده، در فقه هر حکمی از احکام اولیه که سبب بروز و ورود ضرر به مکلف شود، برداشته خواهد شد (بجنوردی، ۲٦۳/۱).

در مسئلهٔ محل بحث، باتوجه‌به اینکه ضرر صرفاً در ضررهای جسمی خلاصه نمی‌شود و شامل هرگونه نقصان و آسیب بر فرد، ازجمله آسیب‌های روحی و روانی می‌شود و چنانچه ازنظرِ علمی ثابت شود که کام‌جویی و استمتاع جنسی از صغیره، آسیب روحی و روانی برای وی در پی دارد، می‌توان بر اساس قاعدهٔ مذکور حکم به ممنوعیت و عدم‌جواز این امر داد.

در هر مسئلهٔ شرعی، تشخیص حکم با مجتهد است، اما در شناخت موضوع، مجتهد مانند بقیهٔ مکلفان است؛ چراکه تشخیص موضوع به عهدهٔ کارشناسان فن است؛ مثلاً مجتهدان فتوا می‌دهند که هر چیزی که برای بدن ضرر درخورِ توجهی داشته باشد، حرام است. اما اینکه آیا سیگار برای بدن ضرر معتنی‌به دارد یا نه، برعهدهٔ مجتهد نیست، بلکه موکول به نظر متخصصان و کارشناسان آن حوزه است که ضرر شایان توجه سیگار را ثابت کنند. در شناخت موضوعات احکام، مجتهد نیز مانند یکی از مکلفان است و تشخیص موضوع، موکول به نظر خود مکلف است که وی باید در تشخیص آن به عرف مراجعه کند (خمینی، ۲۷/۱). لذا به‌منظور اثبات علمی ضرر روحی و روانیِ استمتاع از صغیره و تبعات و پیامدهای منفی آن، به مطالعه و بررسی پژوهش‌های صاحب‌نظران و نتایج و دستاوردهای روان‌شناسان و جامعه‌شناسان متخصص نیازمندیم.

طبق بررسی معتبرترین و معروف‌ترین نظریات شخصیت در روانشناسی، استمتاع جنسی از کودک سبب بروز آسیب‌های روحی و روانی جدی بر کودک می‌شود و شخصیت آیندهٔ او را تخریب می‌کند.

---

۱. هل يجوز الاستمتاع بما عدا الوطء من النظر و اللمس بشهوه و الضم و التفخيذ؟ الظاهر ذلک؛ ولو في الرضيعة؛ للأصل السالم عن المعارض.

نظریهٔ رشد روانی‌اجتماعی اریکسون،[1] می‌گوید: شخصیت هر فرد، طی مراحلی رشد می‌یابد؛ به این معنا که در هر سنی ازنظرِ جسمی و روحی، فرد آمادگی کسب تجربیاتی در حدّ سن خود را دارد. هر مرحله در نظریهٔ اریکسون به صلاحیت‌یافتن و شایسته‌شدن در محدوده‌ای از زندگی مربوط است که اصطلاحاً به آن «رسش» یا بلوغ روانی می‌گویند (هیلگارد، ارنست روپیکوت، ٤٤٨). او اعتقاد داشت که شخصیت هر فرد، طی مراحلی رشد می‌یابد. منظور از رشد، تنها جنبه‌های جسمی و فیزیولوژیکی آن نیست، بلکه جنبه‌های شناختی و اجتماعی و روحی نیز است. اریکسون عقیده داشت که فرد چنانچه در مراحل رشد خود با تضادی روبه‌رو شود که متناسب با مرحلهٔ رشد او نباشد، سلامت روانی او به خطر می‌افتد. اگر مرحله‌ای به‌طور ضعیفی مدیریت شود، حس بی‌کفایتی در شخص پدید خواهد آمد و این حس بی‌کفایتی و شک به خود در آن‌ها باقی می‌ماند (شاهمرادی، ٥).

بر اساس نظریهٔ رَسشی آرنولد گزل[2] که پیشوای طرفداران رشد طبیعی به شمار می‌آید نیز دستگاه عصبی کودک در هر سنی باید به‌اندازهٔ کافی رشد کند تا بتواند تکالیف متناسب با آن سن را درک کند و با هدایت عوامل درونی‌اش بر آن تکالیف تسلط یابد. او معتقد است که باید نشانه‌های رَسِش کودکان را در مراحل مختلف در نظر گرفت. مراحل رَسِش، ابتدا جسمی است، بعد عاطفی و بعد روانی و اجتماعی است. عدم‌توفیق و دستیابی فرد در هریک از مراحل ذکرشده می‌تواند سبب ایجاد اختلال ازنظرِ روحی و عاطفی شود (ویلیام کرین، ٥٠).

بنا بر نظریهٔ رشد شخصیت فروید[3] که یکی از معروف‌ترین نظریه‌ها در علم روانشناسی است، شخصیت انسان‌ها غالباً تا سن پنج سالگی شکل می‌گیرد و تجربیات اولیه، نقش مهمی در رشد شخصیت فرد ایفا می‌کند و تأثیرات آن‌ها در رفتارهای بعدی انسان در زندگی تداوم می‌یابد (شولتس، دوآن و سیدنی الن شولتس، ٤٧١). او معتقد بود که اختلال‌های روان‌رنجوری که بیمارانش از خود نشان می‌دادند، از تجارب دورهٔ کودکی آن‌ها سرچشمه گرفته است. او تجربیات کودکی را به‌قدری مهم می‌دانست که می‌گفت: شخصیت فرد بزرگسال در پنج سالگی به‌طور محکم شکل می‌گیرد و متبلور می‌شود. ازنظرِ فروید، مرحلهٔ رشد روانی‌جنسیِ شخصیت، هنگام بلوغ آغاز می‌شود که بدن ازنظرِ فیزیولوژیکی در حال

---

۱. اریک اریکسون:(Erik Erikson- 1902-1944)، روان‌شناس آمریکایی است. نظریهٔ رشد روانی‌اجتماعی او یکی از معروف‌ترین نظریه‌های شخصیت در روان‌شناسی است.

۲. آرنولد گزل (Arnold.gesell-1880-1961)، یکی از مشهورترین روان‌شناسان آمریکایی است که سال‌ها رئیس کلینیک رشد کودک دانشکدهٔ پزشکی دانشگاه ییل در آمریکا بوده است. او را باید پیشوای طرفداران رشد طبیعی به شمار آورد.

۳. زیگموند فروید (Sigmund Schlomo Freud - 1856-1939)، عصب‌شناس برجستهٔ اتریشی است که پدر علم روان‌کاوی و روان‌شناسی مدرن شناخته می‌شود.

پختگی است (همان).

به نظر فروید، جریان رشد از مراحل مختلفی می‌گذرد و تحول غریزهٔ عمومی جنسی رشد را سازمان می‌دهد و در هر سنی یک مرحلهٔ جدید روانی-جنسی بروز می‌کند. هر مرحله در سلسله مراتب رشد کودک چنان ثبت شده است که در زمان معیّن و تحت شرایط مناسب محیطی تحقق می‌یابد. تجربه‌های ناخوشایند هر مرحله نیز سبب تثبیت کودک در آن مرحله می‌شود و مشکلاتی را برای او به بار می‌آورد. البته به‌عقیدهٔ فروید، مفهوم جنسی فقط شامل آمیزش جنسی نیست، بلکه عملاً شامل هر تجربه و لذت‌جویی جنسی می‌شود (اخوان، ۱۱۳).

نظرات روانشناسان مطرحِ دنیا مؤید این مطلب است که شخصیت فرد بر اساس تجربه‌های اولیهٔ زندگی او شکل می‌گیرد و بسیاری از اختلال‌های روان‌رنجوری انسان‌ها ناشی از تجارب دورهٔ کودکی آن‌ها است که متناسب با رشد فیریکی، ذهنی و عاطفی آن‌ها نبوده است.

طبق تعریف سازمان جهانی بهداشت، (WHO- 2017) هرگونه بدرفتاری فیزیکی یا عاطفی، سوءاستفادهٔ جنسی، غفلت یا رفتار همراه با بی‌توجهی یا استثمار که منجر به آسیب واقعی یا احتمالی به سلامت، بقای رشد یا کرامت کودک در زمینهٔ روابط یا مسؤلیت اعتماد یا قدرت شود، کودک‌آزاری تلقی می‌شود. طبق مطالبی که ذکر شد، چنانچه تجربیات کودک فراتر از شرایط روحی، ذهنی و فیزیولوژیکی و مراحل رشد او باشد، دچار آزار هیجانی می‌شود. آزار هیجانی هرنوع آزار/غفلت یا عدم‌حمایت در برابر آزار/غفلت را شامل می‌شود که بالقوه آسیب‌زاست؛ راجع به رشد هیجانی کودک بی‌توجه است و با اثرات منفیِ طولانی‌مدت و عمیق عملکرد بدرفتاری، هیجانی و اجتماعی مرتبط است) (ون هارملن و همکاران، دی‌بلیس و همکاران، ۳۸). آزار هیجانی از مصادیق بارز کودک‌آزاری است. شواهد حاکی از آن است که آزار هیجانی با پیامدهای زیان‌آور بلندمدتِ دوران کودکی همبستگی دارد. مطالعات در بزرگسالان با سابقهٔ آزار هیجانی نشان داده‌اند که این نوع از آزار با عزت نفس پایین، اضطراب، احساس گناه یا حس قربانی خشونت تعاملات بین فردی‌بودن مرتبط است (تاسینگ و کالهانه، ۲۰۱۰). کودک‌آزاری به هر شکل که باشد پیامدها و عواقب ناگواری دارد، اما خطر مشکلات عاطفی و سازشی آن بیشتر است (لعلی و عابدی، صص ۸۱تا۹٤).

مطالعات و آسیب‌شناسی بر روی بزرگسالانی که در دوران کودکی دچار آزار هیجانی شده‌اند، حاکی از این است که فشار روانی آسیب‌زای دوران کودکی با اثرات منفی بر رشد مغز همبستگی دارد .Schore) (Allan.N 21. همچنین از پیشرفت‌های اخیر در علم عصب‌شناسی، تحولی به دست آمده است که فشار روانی زودهنگام زندگی، تغییرات دائمی را در مدارهای عصبی ایجاد می‌کند که سبب نقص شناختی،

حساسیت در مقابل درد، افسردگی، اضطراب و خواب آشفته می‌شود (Heim, Christine, 63).

شواهد حاکی از این است که کیفیت مراقبت اولیهٔ زندگی، تعیین‌کنندهٔ سلامت عصبی، روحی و روانی فرد در بزرگسالی است. سیستم‌های فشار روانی که شامل هیپوتالاموس، هیپوفیز، آدرنال و سیستم کاتکولامین (سیستم عصبی سمپاتیک، نور اپی نفرین) هستند که برای بقا ضروری است. فشار روانی بسیار زیاد همچون تجارب آزاردیدگی کودکی، مستقیماً به تغییرات این سیستم‌ها منجر می‌شود که اثرات بدی بر رشد مغز دارد (De bellis and coworkers, 923-944) و به تغییرات مداوم در ساختار، عملکرد و شیمی مغز منجر می‌شود و در طی زمان، کودکان در معرض خطر گسترش پاسخ افراطی به فشار روانی جزئی قرار می‌گیرند (Hagele, Dana, M.66). نتایج نشان می‌دهد که بین میزان آسیب‌دیدگی دوران کودکی و نقص عملکرد شناختی و حافظهٔ بلندمدت افراد، رابطه وجود دارد. در افرادی که در کودکی آزار هیجانی را تجربه کرده‌اند، نقص حافظه، تغییر ساختار و عملکرد مناطق مغزی مشاهده می‌شود (Majer, Matthias and coworker 5).

دربارهٔ اثرات مخرب این تأثیرات در دوران کودکی بر عملکرد سیستم مغزی و روانی فرد که سبب انواع اختلالات و مشکلات در فرد و تعاملات بین فردی او می‌شود، پژوهشی بر روی یک جامعهٔ آماری دانش‌آموزان دختر نوجوان مقطع راهنمایی، عملکرد عصب روان‌شناختی دانش‌آموزان دختر آزاردیدهٔ هیجانی با دانش‌آموزان دختر عادی انجام شد (۳۰ دانش‌آموز با آزاردیدگی هیجانی و ۳۰ دانش‌آموز عادی) که در این نمونه‌گیری از آزمون‌های بندرگشتالت، آزمون‌های وکسلر و آزمون تصویری ری استفاده شد. نتیجهٔ این پژوهش حاکی از این است که دختران آزاردیدهٔ هیجانی، تعداد خطاهای بیشتری را مرتکب شده‌اند و میزان اختلال مغزی در دانش‌آموزان آزاردیدهٔ هیجانی، به‌طور معناداری بیشتر از دانش‌آموزان عادی بوده است (نوروزی چهارقلعه و همکاران، ۱۲).

در پاسخ به دلیل اول مجوزان که عمومات و اطلاق ادله را دلیل جواز استمتاع از صغیره ذکر کرده‌اند، باید گفت: ازآنجاکه قاعدهٔ نفی ضرر قاعده‌ای عام است و منحصر در ضررهای جسمانی نیست، بلکه شامل ضررهای روحی، عاطفی و روانی نیز خواهد بود. بنابراین قطعاً آسیب‌های روانی هم ازنظرِ اسلام مهم بوده است و می‌تواند ملاک صدور حکم قرار گیرند؛ درنتیجه، باتوجه‌به اینکه طبق نظریات متخصصان ثابت کردیم استمتاع از زوجه صغیره به‌دلیل اینکه با شرایط فیزیولوژیکی جسمی و روحی کودک منافات دارد و متناسب با مراحل رشد او نیست، لذا برای طفل ضرر روحی و جسمی به‌دنبال دارد و مقتضای قاعده، حکمِ جایزنبودن هرگونه استمتاعی از زوجهٔ نابالغ حکم است، زیرا بی‌شک قاعدهٔ نفی ضرر ازجمله احکام ثانویه است و بر ادلهٔ احکام اولیه حکومت دارد (انصاری، ۱۲۷/۲)؛ به این صورت که قاعدهٔ لاضرر

احکامِ ضرری را از اطلاق و عموم ادله خارج می‌سازد و اطلاقات را تقیید می‌زنند؛ به این معنا که ادلهٔ اولیهٔ اطلاق و عموم دارند، یعنی شامل همهٔ احکام، اعم از ضرری و غیرضرری می‌شود و در اینجا قاعدهٔ لاضرر، احکام ضرری را از عمومات خارج می‌سازد و اطلاقات را تقیید می‌زند و به‌دلیل این قاعدهٔ مسلّم فقهی، استمتاعات از عموم این ادله به‌خاطر ضرری‌بودن خارج می‌شود.

احکام دینی هنگام نزول در عصر بعثت صرف‌نظر از اینکه کلام خدا یا سیره و گفتار پیامبر(ص) باشد، در نظر عقلای آن زمان، عاقلانه و عادلانه، اخلاقی و توجیه‌شدنی بوده است و از مقررات و قوانین مشابه، منطقی‌تر و موجه‌تر به نظر می‌رسیده و در جامعه مفید و کاربردی بوده است. در زمان فعلی نیز اگر قرار است حکمی پذیرفته شود باید به عرف عقلای زمان حال، منطقی، عادلانه، اخلاقی، عقلانی، مفید و کاربردی باشد وگرنه از درجهٔ اعتبار ساقط است. از امتیازات قوانین و مقررات اسلامی همین است که روح اخلاق در تک‌تک مواد آن وجود دارد، البته جز این هم انتظاری نیست؛ زیرا تنافی احکام اسلامی و اخلاق، نظم اجتماعی را به هم می‌ریزد و مردم با قوانین غیراخلاقی همراهی نمی‌کنند؛ لذا مسئله‌ای که از نگاه مردم، خلاف عرف و فضایل اخلاقی باشد، پذیرفته نمی‌شود.

دختر صغیره قبل از سن بلوغ به‌لحاظ جسمی و روحی و شرایط فیزیولوژی بدنی به‌حدی نرسیده است که استمتاع را درک کند و از آن لذت ببرد، لذا بهره‌بردن جنسی و استمتاع از او صرف‌نظر از ضررهای جسمی و روحی، نوعی بهره‌کشی جنسی تلقی می‌شود که ازنظرِ اخلاقی قبیح و زشت است.

کودکی که استمتاع قرار می‌شود بدون اینکه درک ابتدایی از مسائل جنسی داشته باشد و بعد از بلوغ متوجه شود ابزاری برای لذت‌جویی و اطفای شهوت دیگری بوده است درحالی‌که حتی درک ابتدایی از مسائل جنسی نداشته است، صرف‌نظر از آسیب‌های روحی که متوجه او شده، کرامت و شخصیت‌اش زیر سؤال می‌رود و ازنظرِ عقل سلیم و قواعد اخلاقی این عمل مصداق بارز کودک‌آزاری ونقض کرامت انسانی به شمار می‌رود. دختر صغیره، کودکی است که طبق عرف و شرع باید مطابق با اصول و قواعد کودکی با او رفتار کرد و آزار و آسیب روحی ناشی از استمتاع به مصلحت او نیست و در عصر حاضر که مضرات و آسیب‌های روحی این عمل توسط متخصصان و صاحب‌نظران ثابت شده است، منکر و قبیح تلقی می‌شود، حکم جواز استمتاع از صغیره را با این عمومیتی که گفته شد به‌دلیل داشتن قبح اخلاقی و عقلی نمی‌توان پذیرفت و لذا عمومات استمتاع زوج از زوجه، انصراف دارد به مواردی که بین عقلا متعارف است و شامل استمتاع از صغیره نمی‌شود و عقلاً آن را پذیرفته نمی‌دانند.

ب. پاسخ دلیل دوم: در پاسخ به کسانی که برای جواز استمتاعات از زوجهٔ نابالغ به اصل اباحه استناد کرده بودند، می‌توان به دلایل مذکور اشاره کرد. بنابراین باتوجه‌به حاکمیت مطلقی که برای قاعدهٔ

لاضرر در این خصوص قائل هستیم، قائل‌شدن به جواز استمتاعات، فاقد حجیت شرعی است و این قاعده، بر اصل اباحه نیز حاکم است و در پاسخ برخی از فقها که برای جواز سایر استمتاعات از زوجهٔ نابالغ، به اصل اباحه استناد کرده بودند (صاحب‌جواهر، ۴۲۵/۲۹) و با این استدلال که اصل بر جواز و اباحهٔ این‌گونه استمتاعات است، مگر اینکه نهی و ردعی از سوی شارع وارد شده باشد؛ در اینجا نیز قاعدهٔ لاضرر حاکم بر اصل اباحه است و باوجود این قاعده، مجالی برای جریان اصل اباحه باقی نمی‌ماند.

ج. پاسخ دلیل سوم: دلیل دیگر معتقدان به جواز استمتاعات از زوجهٔ نابالغ، اجماع فقها ازجمله آیت‌الله سیدصادق روحانی، صاحب فقه الصادق(ع) و سبزواری صاحب مهذب الاحکام (۷۳/۲۴)[۱] است.

در پاسخ به این دلیل باید گفت: اولاً، بسیاری از فقهای متأخر و متقدم اصلاً متعرض این مسئله نشده‌اند و نظر خود را در این خصوص بیان نکرده‌اند و به سکوت از این مسئله گذشته‌اند، پس چگونه می‌توان ادعای اجماع کرد؟

به نظر می‌رسد ادعای اجماع، مورد مناقشه است؛ چراکه ابن‌جنید اسکافی، شیخ مفید، سلار دیلمی، شیخ طوسی، ابن‌ادریس، محقق حلی و علامه حلی، در کتب خود فقط به اصل جواز تزویج دختر نابالغ پرداخته و اصلاً متعرض بحث استمتاع نشده‌اند (مفید، ۷۴۷؛ سلار دیلمی، ۱۴۰۲، مراسم، ۲۴۱؛ ابن جنید، ۱۴۱۶، مجموعهٔ فتاوا، ۲۴۸؛ طوسی، ۱۴۰۷، النهایة، ۲۵۷؛ ابن‌ادریس، ۵۳۱؛ محقق حلی، ۱۴۱۲، نکة النهایة، ۲۹۲؛ علامه حلی، مختلف الشیعة، ۶۳)، لذا نمی‌توان ایشان را از موافقان بحث مذکور در نظر گرفت و ادعای اجماع را پذیرفت.

ثانیاً: ازآنجاکه مستند اجماع این فقها روایات متعدد در خصوص استمتاع از صغیره است، کاشفیت اجماع محل تردید است؛ چراکه دلیل این فقها همان اطلاق در روایات است، مدرک و دلیلشان روایت است، اجماع از نوع مدرکی است و چنین اجماعی از حجیت ساقط است (فاضل لنکرانی، ۱۴۳۰، ۲۰۸/۳)؛ زیرا کاشف از قول معصوم نیست و فاقد اعتبار لازم است.

نتیجه‌گیری

نظریات روان‌شناسان و صاحب‌نظران مطرح دنیا مبیّن این واقعیت است که تجربیات کودک باید در حدّ رشد جسمی و روحی و عاطفی او باشد. چنانچه با او رفتاری شود که با رشد فیزیولوژی، روحی و عاطفی او همخوانی ندارد، کودک دچار آسیب‌های روحی جدی، اختلالات، اضطراب‌های روانی،

۱. هل یجوز الاستمتاع بما عدا الوطء من النظر و اللمس بشهوه و الضم و التفخیذ؟ الظاهر ذلک؛ ولو فی الرضیعه؛ للأصل السالم عن المعارض.

افسردگی و... خواهد شد. بنا بر نظرات دانشمندان مذکور، سِنی که محل بحث ماست، اصلاً سنی نیست که فرد در آن به مراحل بالای رَسِش یا بلوغ روحی و روانی رسیده و آمادگی درک لذت‌ها و کام‌جویی‌های جنسی را داشته باشد و مورد استمتاع قرار گیرد؛ چراکه دستگاه عصبی کودک به‌قدر کافی رشد نکرده است، لذا می‌توان نتیجه گرفت باتوجه‌به اینکه متخصصان به این تشخیص رسیده‌اند که استمتاع از صغیره برای کودک ضرر روحی به همراه دارد و می‌تواند آسیب‌های جدی به روان او وارد کند و از طرفی طبق قواعد فقهی در شریعت مقدس اسلام هرآنچه برای جسم و روان انسان مضر باشد، عملی حرام تلقی می‌شود و شرعاً جایز نیست، پس استمتاع از صغیره مجاز نیست و به‌دلیل ضرری که دارد غیرمشروع و حرام است.

به نظر می‌رسد آراء فقهایی که در گذشته و حال رأی به جواز آن داده‌اند، احتمالاً ناشی از عدم‌کشف و احراز آسیب‌های متعدد روحی و عدم‌اثبات قبح عرفی و اخلاقی نزد آنان است و در حال حاضر با تغییر موضوع و محرزشدن ضررهای متعدد یادشده نمی‌توان حکم به جواز این امر داد.

منابع

ابن‌ادریس، محمدبن‌احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.

اخوان، بهروز، بررسی مراحل رشد روانی-جنسی از دیدگاه فروید، بی‌جا: بی‌نا، ۲۰۱۳م.

انصاری، مرتضی‌بن‌محمدامین، فرائد الاصول (الرسائل)، قم: مصطفوی، ۱۴۱۱ق.

بجنوردی، حسن، القواعد الفقهیة، تهران: عروج، ۱۴۰۱ق.

بحرانی، محمد، سند العروة الوثقی، کتاب النکاح، قم: فدک، ۱۴۲۹ق.

حر عاملی، محمدبن‌حسن، وسائل الشیعة، قم: آل‌البیت(ع)، ۱٤۰۹ق.

حکیم، محسن، مستمسک العروة الوثقی، قم: منشورات مکتبة آیت‌اللّه النجفی، ۱٤۰٤ق.

خمینی، مصطفی، مستند تحریرالوسیلة، تهران: مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی‌تا.

خمینی، روح‌اللّه، تحریر الوسیلة، قم: دار العلم، بی‌تا.

خویی، ابوالقاسم، موسوعة الامام الخوئی، قم: مؤسسهٔ إحیاء آثار الإمام الخوئی، ۱۴۱۸ق.

____________، مبانی تکملة المنهاج، قم: مؤسسهٔ إحیاء آثار الإمام الخوئی(ره)، ۱۴۲۲ق.

____________، مستند العروة الوثقی، کتاب النکاح، قم: منشورات مدرسهٔ دار العلم، ۱۴۱۳ق.

روحانی، صادق، فقه الصادق، بی‌جا: دار الکتاب مدرسهٔ امام صادق(ع)، ۱۴۱۲ق.

سبزواری، عبدالاعلی، مهذب الاحکام فی بیان حلال و الحرام، قم: دار التفسیر، ۱۳۸۸.

شاهمرادی، مهدی، «روان‌شناسی رشد، نظریه‌های رشد (پیاژه-اریکسون)، مراحل رشد، دانشنامهٔ رشد»، سایت: کلینیک فراروان.

شبیری رنجانی، موسی، کتاب النکاح، قم: مؤسسهٔ پژوهشی رأی پرداز، ۱۴۱۹ق.

شولتس، دوآن و سیدنی الن شولتس، تاریخ روان‌شناسی نوین، ترجمهٔ علی‌اکبر سیف و همکاران، چاپ‌دوم، تهران: دوران، ۱۳۸۲.

شهیدثانی، زین‌الدین‌بن‌علی، مسالک الافهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، قم: مؤسسهٔ معارف اسلامی، ۱۴۱۳ق.

صاحب‌جواهر، محمدحسن‌بن‌باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.

صانعی، یوسف، استفتائات قضایی، بی‌جا: میزان، ۱۳۸۴.

طباطبایی یزدی، محمدکاظم، العروة الوثقی (المحشّی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق.

طوسی، محمدبن‌حسن، النهایة، بی‌جا: مؤسسهٔ اهل بیت(ع)، بی‌تا.

ـــــــــــــــ، تهذیب الاحکام، چاپ‌چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.

علامه حلی، حسن‌بن‌یوسف، تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، قم: مؤسسهٔ امام‌صادق(ع)، ۱۴۲۰ق.

ـــــــــــــــ، قواعد الاحکام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۷۲۶ق.

ـــــــــــــــ، مختلف الشیعة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.

علم الهدی، علی‌بن‌حسین، الانتصار، قم: مؤسسهٔ نشر اسلامی، ۱۴۱۵ق.

عندلیب همدانی، محمد، «سایت اطلاع‌رسانی آیت‌الله عندلیب همدانی»، بررسی فقهی کودک همسری، ۲۷ بهمن، ۱۳۹۷.

فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة، قم: مرکز فقهی ائمهٔ اطهار، ۱۴۲۱ق.

فاضل مقداد، مقدادبن‌عبدالله، التنقیح الرائع لمختصرالشرائع، قم: کتابخانهٔ مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.

کلینی، محمدبن‌یعقوب، الکافی، چاپ‌چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.

گلپایگانی، محمدرضا، هدایة العباد، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۱۳ق.

لعلی، محسن و احمد عابدی، «بررسی رابطهٔ بین سابقهٔ انواع بدرفتاری والدین در دوران کودکی با افسردگی دوران بزرگسالی در بیماران سرپایی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره»، فصلنامهٔ مطالعات روان‌شناختی، دورهٔ۴، ش۴، 1387،

محقق حلی، جعفربن‌حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.

مرعشی، شهاب‌الدین، القصاص علی ضوء القرآن و السنة، بی‌جا: کتابخانهٔ آیت‌الله مرعشی، ۱۴۱۵ق.

مغنیه، محمدجواد، الفقه علی المذاهب الخمسه، چاپ‌هفتم، بیروت: کانون الثانی، ۱۴۰۲ق.

مفید، محمدبن‌محمد، المقنعة، "ناشر: المؤتمر العالمی لألفیة الشیخ المفید(ره)، ۱۴۱۳ق.

مکارم شیرازی، ناصر، کتاب النکاح، قم: انتشارات مدرسهٔ امام علی‌بن‌ابی‌طالب(ع)، ۱۴۱۱ق.

نایینی، محمدحسین، اجود التقریرات، قم: مصطفوی، ۱۳۵۵.

نراقی، احمدبن‌محمدمهدی، مستند الشیعة فی أحکام الشریعة، قم: آل البیت، ۱۴۱۵ق.

ویلیام کرین، نظریهٔ رسشی گزل نظریه‌های رشد -شر رشد-روانشناسی ژنیتیک، ترجمهٔ غلامرضا خوی‌نژاد و علیرضا رجایی، بی‌جا: سمت، بی‌تا.

De Bellis، Michael. D، Broussard، Elise. R، Herring، David. J، Wexler، Sandra، Moritz، Grace& Benitez، Hohn. G، (2001). Psychiatric co-morbidity in caregivers and Children involved in maltreatment: a pilot research study with policy implications، Child Abuse and Neglect، 25،923-944، www. Scienc Direct. Com.

Hagele، Dana. M، (2005). The impact of maltreatment on the developing child، NC Med Journal، Vol، 66، No 5، www.Google. Com.

Heim، Christine، Wanger، Dieter، Maloney، Elizabeth، Papanicolaou، Dimitris. A، Solomon، Laura، Jones، James. F، Uger، Elizabeth. R & Reeves، William. C. (2006). Archives of General Psychiatry، Vol. 63، No، 1،1258-1266، www.Science Direct. Com.

Majer، Matthias. ، Nater، Urs. M. ، Lin، Jin-Mann. S. ، Capuron، Lucile. ،&Reeves، William. C، (2010). Association of childhood trauma with cognitive function In healthy adults: a pilot study M C Neurology، www.ncbi. nlm. nih.gov/Bio Med Central online. Org.

Schore، Allan. N، (2001). The effects of early relational trauma on right brain development affect regulation، and infant mental health، Infant Mental Health journal، 22،201،269، www.trauma-pages. Com.

- "Introduction to Developmental Psychology"، Kendra Van Wagner،

http://psychology. about.com/